

## آسیب‌های اجتماعی و دانش آموزان با تاکید بر طلاق والدین

شهرام رنجدوست<sup>۱</sup>، سعادت شوکتی<sup>۲</sup>

دانشیار گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد واحد مرند [Dr.ranjdoust@gmail.com](mailto:Dr.ranjdoust@gmail.com)

سعادت شوکتی، دانشجوی دکترا برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد واحد مرند [Saadat1157@gmail.com](mailto:Saadat1157@gmail.com)

### چکیده:

خانواده به عنوان کانون مملو از محبت و آرامش برای تحول و رشد استعداد هاست. هر گونه آسیب به آن نسل آینده را از اثر سوء خود مصون نخواهد گذاشت؛ خانواده اولین محیطی است که الگوی جسمی روانی فرد در آن شکل می گیرد ریشه بروز بسیاری از فضایل و ردایل انسانی در خانواده است. خانواده مانند عمارتی است که زن و شوهر ستون های آن را تشکیل می دهند و فرو ریختن هر ستون استحکام و استواری عمارت را دچار تزلزل و گسستگی می کند در حقیقت طلاق و از هم پاشیدگی خانواده یک فاجعه به شمار می رود، شکی نیست از طریق طلاق پیوند زندگی مشترک گسسته می شود و کودک پس از طلاق دچار مشکلات بسیاری می شود به همین دلیل پدیده طلاق چیزی نیست که به آسانی از آن چشم پوشی کرد.

هدف ما در این تحقیق بررسی پیامدهای طلاق است لذا به روش مروری به بررسی آثار طلاق بر روی کودکان پرداخته ایم نتایج نشان می دهد که کودکانی که در خانواده های طلاق وجود دارند به این دلیل که رشته جامعه پذیریشان گسسته شده است و در دامان خانواده ای که به شیوه ای منظم تربیت نشده است رشد می کنند؛ پس از طلاق دچار آسیب های جدی می شوند و کودکان پس از جدایی والدین دچار کمبود عاطفی و اضطراب دائمی می باشند. چون محل امنی برای خود احساس نمی کنند و در زندگی اجتماعی خود دچار سر در گمی و بلاتکلیفی هستند و این کودکان عمدتا در مدرسه هم دچار عدم موفقیت تحصیلی هستند.

**واژگان کلیدی:** خانواده، طلاق، کودکان، ترس، اضطراب

### مقدمه

از آن زمان که انسان در این جهان جای گرفت، همواره در قالب «خانواده» زندگی می کرده است. به اعتقاد ما، بر اساس آموزه های دینی، اولین انسان ها از بهشت موعود به کره خاکی هبوط کردند. حضرت آدم علیه السلام و حوا اولین کسانی بودند که یک «خانواده هسته ای» را با فرزندان شان تشکیل دادند. به تدریج، این خانواده هسته ای گسترده شد و روی کره زمین پخش گردید. تاکنون هر جا انسانی زندگی می کرده به صورت جمعی بوده است، نه فردی. مردم شناسان می گویند: انسان های اولیه در ابتدا، به صورت گله های انسانی زندگی می کردند که به دنبال شکار از جایی به جایی سیر می کردند.

به هر روی، اولین چیزی که جامعه را قوام می بخشد و به آن صفت اجتماعی می دهد، وجود دو عنصر متفاوت به نام «زن» و «مرد» است

که طبق غریزه ای که خداوند در آن ها به ودیعت نهاده کشش و جاذبه ای درونی نسبت به یکدیگر دارند و همین جاذبه است که شیرازه خانواده را تشکیل می دهد. در دین مقدس اسلام، بر نهاد خانواده تاکید فراوان شده و از مساله عزوبت نهی شده است. پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله در حدیث معروف خود از ازدواج به عنوان «سنت» خود یاد می کند. به همین دلیل، چون همواره سنت ازدواج مورد تایید و تاکید اسلام قرار گرفته، به عنوان یک امر مقدس درآمده است.

در بین تمامی نهادها، سازمان های اجتماعی، خانواده نقش مهم و به سزا دارد. تمامی آنانی که در باب سازمان جامعه اندیشیده اند، همه مصلحین، حتی رویاگرایان و آنان که به ناکجا آباد روی گردانده، بر خانواده و اهمیت و اهمیت حیاتی آنان برای جامعه تاکید ورزیده اند به درستی هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده های سالم برخوردار نباشد، باز بی هیچ شبهه، هیچ یک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تاثیر خانواده پدید آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۶۷)

ژان ژاک روسو، که اساس نظام اجتماعی را بر مبنای قرارداد، استوار می داند، از خانواده به عنوان قدیمی ترین نوع جامعه و تنها جامعه طبیعی یاد می کند (روسو).

بنیان و شالوده خانواده را تفاهم، درک متقابل، فداکاری، گذشت از حقوق یکدیگر، و صبر در برابر مشکلات می سازد. اگر یکی از زوجین یا هر دو به دلایل گوناگون نتوانستند با یکدیگر سازش کنند، در این جاست که خانواده از هم گسیخته می شود. هر قدر خانواده از بنیان مستحکم تری برخوردار باشد و طرفین از جهات بیش تری با یکدیگر توافق کنند، احتمال بقای این خانواده بیش تر است (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۴).

نهاد خانواده زمانی می تواند کارکرد خودش را به درستی انجام دهد که دچار نابسامانی و آشفتگی نباشد و طلاق از عواملی است که سلامت و امنیت خانواده را تهدید می کند. عدم حضور هر یک از والدین در خانواده تعادل آن را بر هم زده و موجب تضعیف کارکردهای خانواده و کاهش نظارت اجتماعی می شود و به تبع آن بزهکاری، مشکلات جسمانی، آشفتگی روانی و اجتماعی و اختلال های رفتاری در فرزندان افزایش می یابد (ویتوف<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳).

این مسائل در فرزندان خانواده های تک والد ناشی از طلاق بیشتر از فرزندان خانواده های سالم است. آن طور که کلارک<sup>۲</sup> - استوارت<sup>۲</sup> و برنتانو (۲۰۰۶) بیان می دارند مشکلات تحصیلی و احتمال ترک تحصیل آنها دو برابر دیگران است. اغلب آنها دارای مشکلات رفتاری مانند پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی هستند و معلمان و مادران آنها هم این مسئله را تایید می کنند. این فرزندان در اثر طلاق والدین نه تنها دچار مشکلات رفتاری می شوند، بلکه بیش از فرزندان خانواده های سالم، نگران، گوشه گیر و افسرده می شوند، اعتماد به نفس کم تر و حس ناامیدی بیشتری دارند (پیکی، ۲۰۰۳).

تک والد بودن کودکان و نوجوانان اثرات سوئی بر آنها دارد و حس عدم امنیت را در آنها می پروراند. این احساس می تواند موجب شود

<sup>۱</sup> weitof

<sup>۲</sup> Clark-Stewart

کودک و نوجوان در زندگی خود احساس ناامیدی کرده و خود را در حیطه های مختلف زندگی ناتوان ببینند. چرا که مطابق با راتر (۱۹۹۴) رشد امید در کودک احساس امنیت او نسبت به دلبستگی به مراقب خود و بافت زندگی بین فردی بستگی دارد که در آن ناگواری ها را تجربه کرده و با آنها کنار می آید. کودکانی که همراه با احساس امنیت به والدین دلبسته هستند، در برابر ناملایمات احساس می کنند از حمایت اجتماعی کافی برای غلبه بر مشکل برخوردارند. لذا به موفقیت خود امید دارند و با امید به حصول آن تلاش می کنند.

فاکتورهای اجتماعی، عاطفی و رفتاری همگی در وقوع آسیبهای اجتماعی دانش آموزان تاثیر بسزایی دارند. یکی از مشکلات حائز اهمیت در میان آسیبهای اجتماعی، افزایش رو به رشد فرزندان طلاق در میان دانش آموزان می باشد. تحقیقات نشان می دهد بین طلاق والدین و آسیب های روانی کودکان رابطه مستقیمی برقرار است. هر جایی که آسیب اجتماعی هست، ردپایی از طلاق والدین مشاهده می شود.

به جهت اهمیت موضوع، تحقیق را با هدف پاسخگویی به این سوال که چه آسیب هایی در انتظار فرزندان طلاق می باشد و با بررسی پدیده هایی در این زمینه و تحقیقات صورت گرفته ادامه می دهیم.

### پیشینه تحقیق:

طلاق مهم ترین پدیده حیات انسانی است که دارای ابعادی به تعداد تمامی جوانب و اضلاع جامعه انسانی است و پیامد آن تمامی جوانب زندگی را در بر می گیرد در این بین اگر طرفین طلاق گرفته دارای فرزندی نیز باشند این عواقب زندگی انسان دیگری را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. در زمینه طلاق نوشته های زیادی وجود دارد که به برخی از آنها در زیر اشاره می شود:

فتحی (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان تاثیرات منفی طلاق و فروپاشی خانواده بر افت تحصیلی فرزندان در مقطع ابتدایی به بررسی اثرات طلاق بر روی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پرداخته و به این نتیجه رسید که با نگاهی کوتاه به شرایط روانی اجتماعی دانش آموزانی که علی رغم بهره مندی از بهره هوشی بالاتر از متوسط و امکانات مناسب زندگی آنگونه که بایسته و شایسته است تلاش قابل توجهی از خود نشان نداده و پیشرفت تحصیلی مطلوبی را نداشته اند در می یابیم که این قبیل دانش آموزان غالباً متعلق به خانواده هایی هستند که روابط عاطفی متقابل و پایداری بین اعضای آنها وجود ندارد و بسیار سست و شکننده است.

اسلامی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان امید در نگرش دانش آموزان تک والد: فرزندان طلاق به بررسی امید در نگرش دانش آموزان تک والد پرداخته است و به این نتیجه رسید که درباره امید و مدرسه، کودکان تک والد به دلیل داشتن مشکلات خانوادگی که به دنبال طلاق والدین پیش آمده، دارای مشکلات تحصیلی بوده و آنها دچار افت تحصیلی شده و بسیاری از آنها انگیزه پیشرفت و ادامه تحصیل را از دست داده اند. آنها در رابطه با والدی که در کنار آنها حضور ندارند، احساس دلتنگی می کنند و برای بودن در کنار والد غایب خود اشتیاق نشان می دهند. اغلب آنها به بازی های فردی بیشتر گرایش داشته و به دلیل نداشتن امکانات رفاهی در

برابر دوستان و همسالان خود احساس شرمندگی کرده و تمایل دارند به تنهایی و در خانه با وسایل موجود خود را مشغول کنند. یونسی رباطی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان تاب آوری و پرخاشگری در فرزندان طلاق به بررسی این موضوع پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تاب آوری در فرزندان عادی نسبت به فرزندان طلاق بالاتر و همچنین پرخاشگری فرزندان عادی نسبت به فرزندان طلاق کمتر می باشد. در نتیجه جو عاطفی خانواده از جمله متغیرهای موثر در رشد ویژگی های شخصیت فرزندان از جمله تاب آوری و هیجانات منفی مثل پرخاشگری است.

امانی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان به صورت کیفی به بررسی فرزندان به عنوان گروههای آسیب پذیر در برابر طلاق پرداخته اند؛ بر اساس نتایج به دست آمده، ناامنی در تعاملات اجتماعی، مشکلات اقتصادی، مشکلات ساختاری خانواده، مشکلات تحولی و رشدی، نشانگان افسردگی، الگوهای ناکارآمد سازگاری و مشکلات تحصیلی به عنوان پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان شناسایی شد.

برهانی نایینی (۱۳۹۱) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان مقایسه آسیب پذیری در برابر اعتیاد در فرزندان طلاق، فرزندان پر تعارض و عادی در شهرستان نایین به بررسی مقایسه بین میزان گرایش به اعتیاد در سه گروه فرزندان خانواده های طلاق، پرتعارض و عادی در شهرستان نایین پرداخته است.

قبل از پرداختن به موضوع آسیب اجتماعی ناشی از طلاق بر روی دانش آموزان ابتدا به موضوع طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی اشاره می کنیم:

در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می آید که نتیجه تصادم نوگرایی و پایبندی به سنتهای دیرین و تشدید جنگ بین نسلهاست. به بیان دیگر در هنگامه بحران، ارزشها، ارزشهای اساسی یک جامعه بر لذت طلبی، تمتع آنی، مصلحت گرایی فردی، سودگرایی، ماده گرایی و ابزارگرایی استوارند و انسانها صرفاً به تمتع می اندیشند و فقط مصالح خویشتن را در نظر می آورند. در چنین شرایطی همه چیز در چارچوب امورمادی، ملموس و حتی جسمانی خلاصه میشود و ارتباطات انسانی نیز از این شرایط تأثیر می پذیرند. روابط انسانها از بعد معنوی تهی میشود و صرفاً در التذاذ آنی صرف میشود. این نوع روابط بسیار سست و آسیب پذیر و شکننده اند و به محض آنکه مصلحت دیگری روی کند و یا بر اثر مرور زمان یا عوامل دیگر، رابطه ها از درون تهی شده و به بهانه های مختلف بشکند، در این شرایط روابط زوجیت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و آمار طلاق روز به روز افزایش خواهد یافت (کاملی، : ۱۸۴).

وجدان جمعی یکی از مهمترین ضمانتهای تحقق اهداف و ارزشهای جامعه است. شخصی یا اشخاصی میتوانند هنجارهای جامعه را تحقیر کنند، اما در برابر وجدان جمعی جز اطاعت راهی ندارند. به اعتقاد دورکیم هر چقدر وجدان جمعی قوی باشد، خشم عمومی در مقابل هنجارشکنی حادثتر است. با ضعیف شدن وجدان جمعی، ارزشهای منفی منتسب به طلاق کاهش مییابد و جامعه مطلقه ها را به عنوان مطرودین اجتماعی تلقی نمیکند و بدین ترتیب بر میزان طلاق افزوده

میشود. به عبارت دیگر، جامعه ای که طلاق را پدیده ای عادی و طبیعی میداند، رواج آن را نیز موجب خواهد شد. هر گاه انسان یا انسانهایی، دیگری یا دیگران را با خود و ارزشهای خود ارزیابی کنند، دچار خود میان بینی شده اند، این وضعیت جلوه ای از خودگرایی است این حالت بر روابط انسان با دیگران تأثیر منفی میگذارد و به سستی ارتباط، عدم امنیت، انزوای اجتماعی در سطح زندگی خانوادگی و اجتماعی منجر میشود. گسترش اخلاق خودگرایی و عدم توجه به خواسته ها و نیازهای فرد مقابل در زندگی زناشویی، میتواند موجب اختلاف و ستیزه در کانون خانواده شود. امروزه با اصالت قرار گرفتن «خود» ارقام طلاق رو به فزونی است.

طلاق به هر دلیلی درست یا نادرست، پیامدهایی برای خانواده و جامعه دارد. تأثیر طلاق برای فرزندان بسیار پیچیده و اسفناک است. بطوری که آنها بطور ناخواسته درگیر تضادهایی می شوند که نه توان درک آنها را دارند و نه تاب تحمل و کنار آمدن با آن را دارند.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت روش تحقیق، بنیادی - نظری است. گردآوری اطلاعات در این تحقیق بر اساس مطالعه و پژوهش های انجام یافته یه روش اسنادی و کتابخانه ای صورت گرفته و سپس به توصیف و تحلیل یافته ها پرداخته شده است.

### آسیب های اجتماعی

آسیب شناسی مفهومی جدید است که از علوم زیستی گرفته شده است و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری های عضوی و انحرافات اجتماعی قائل می شود در واقع با شکل گیری و رشد جامعه شناسی در قرن نوزدهم میلادی بهره گیری از علوم مختلف برای بیان فرایندهای اجتماعی تیز معمول گردید و در نتیجه بسیاری از اصطلاحات و واژه های رایج در علوم دیگر چون زیست شناسی، علوم پزشکی، زمین شناسی و مانند آن در جامعه شناسی نیز بکار گرفته شد که از جمله آن می توان به آسیب شناسی اشاره کرد که عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه ی بی نظمی ها در ارگانیسم انسانی بنابراین در مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه، اصطلاح آسیب شناسی اجتماعی برای مطالعه و ریشه یابی بی نظمی های اجتماعی بکار می رود.

عمده ترین هدفها و مقاصد آسیب شناسی اجتماعی را می توان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

- ✓ مطالعه و شناخت آسیب های اجتماعی و علل و دلایل پیدایش آنها؛
- ✓ پیشگیری از وقوع جرم و انحرافات در جامعه به منظور بهسازی محیط زندگی جمعی و خانوادگی؛
- ✓ درمان کجروان اجتماعی با بکارگیری روشهای علمی؛
- ✓ تداوم درمان پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد انحرافات اجتماعی.

آسیب شناسی اجتماعی مطالعه خواستگاه اختلاف بی نظمی‌ها و نایسامانی‌های اجتماعی است. اگر در جامعه‌ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می‌آید و رفتار آسیب می‌بینند.

### طلاق در ادوار مختلف

طلاق قرار دادی است که به زن و مرد امکان می‌دهد تا تحت شرایطی پیوند زناشویی خود را گسیخته و از یک دیگر جدا شوند در تعریف دیگری آمده طلاق شیوه نهادی شده اختیاری پایان ازدواج است (ستوده، ۱۳۸۰). وستر می‌گوید: ازدواج و طلاق در این جهان تقریباً با هم متولد شده اند. شاید ازدواج چند روزی زودتر متولد شده است زیرا پس از زناشویی و گذشت چند روزگار زن و شوهر به زد و خورد و طلاق کشیده شده است. حقیقت این است که ازدواج و طلاق با هم به دنیا آمده اند. حقیقت این است که ازدواج و طلاق با هم به دنیا آمده اند و هر دو از قدیم بوده اند هر دو برای بشر ضروری و لازم است.

طلاق با ازدواج و خانواده که از مهم ترین نهادهای جامعه بشری است ارتباط دارد. طلاق بدعتی اجتماعی است و به عنوان ابزاری اجتماعی در مواجهه با شکست در ازدواج به کار گرفته می‌شود. غالباً در فرایند طلاق یکی از طرفین وابستگی، درگیری عاطفی و رنج بیشتری را متحمل می‌شود و مدتی طولانی تر در بحران ب سر می‌برد. طلاق موجب از هم پاشیدگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود و در بیشتر موارد آثار مخرب آن بر زنان بسیار شدیدتر از مردان است (پوتن، ۱۹۸۷).

### عصر جاهلیت

در عصر جاهلیت طلاق به دست زن بود و این گونه که اگر زن درهای خانه را که به طرف راست بود به طرف چپ قرار می‌داد، مرد با دیدن چنین وضعیتی متوجه می‌شد که همسرش او را طلاق داده و دیگر نزد او نمی‌آمد.

### یونان باستان

در اعصار گذشته زن آلت دست شیطان به حساب می‌آمد. بنابراین تنها به اندازه یک کالا ارزش داشت و خرید و فروش و معامله می‌شد. هر چیز بر او ممنوع بود به جز خانه داری و تربیت کردن کودکان، مرد می‌توانست او را بفروشد یا وصیت کند که متعه هر کسی که می‌خواهد باشد قطعاً حق طلاق از او سلی شده بود. در آن روزگار در یونان باستان حتی بحث از این مساله به میان می‌آمد که آیا اصلاً زن دارای روح می‌باشد یا خیر؟ اگر روح دارد آیا روح او حیوانی است یا اینکه به طور کلی شایستگی دارد که در میان اجتماع مردان باشد یا از این شایستگی محروم است؟

### ایران باستان

طلاق در ایران باستان رایج بود و به دست مرد انجام می‌گرفت و زنان در جامعه بسیار مورد ستم قرار می‌گرفتند حتی شوهر می‌توانست همسرش را برای همیشه حبس کند یا به قتل برساند.

### طلاق در اسلام

از آنجا که هدف دین مبین اسلام ایجاد پیوند بین افراد انسانی و تشکیل کانون های خانوادگی است طلاق را که مخالف فطرت و طبیعت انسان و بر خلاف قانون پیوند زن و مرد است را مورد نکوهش قرار داده و شایسته سرزنش می‌شمارد و آن را امری مغبوض معرفی کرده است.

### فلسفه طلاق در اسلام :

از نظر اسلام طلاق آخرین راه مداوای ناسازگاری زن و شوهری می‌باشد. اسلام معتقد است اگر راهی برای جدایی زن و شوهر (زوجین) نباشد زندگی ایشان دشوار و عذاب‌آور خواهد بود و ممکن است نتایج ویران کننده‌ای مثل انتقال ، خودکشی ، فساد و قتل داشته باشد . امروزه مردم با غم و تشویش کمتری در مقایسه با گذشته به ازدواج روی می‌آورند چرا که طلاق برای آنان در حکم بیمه‌ای تلقی می‌شود و می‌توان از آن به عنوان بیمه ازدواج نام برد. چرا که اگر ازدواج با موفقیت نباشد همسران یکدیگر را رها خواهند کرد.

### بحث و یافته ها

#### پیامدهای طلاق و کودکان:

خانواده بهترین بستر رشد روحی و محبت بین اعضای خانواده است کودکان در فضای خانواده است که محبت می‌بینند و محبت می‌آموزند و این نیاز کودکان باید در فضای خانه و خانواده پرورش یافته و به شکوفایی برسد در نتیجه محبت نیاز کودک است و باید در فضای خانواده تامین شود و در صورت عدم تأمین نیازهای عاطفی فرد خلأ آن را تا سالها احساس خواهد نمود.

اهمیت محبت به فرزند تا جایی است که به فرموده امام صادق علیه السلام خداوند مرد را به خاطر شدت محبت و دوستی به فرزندش مورد رحمت خویش قرار می‌دهد محرومیت‌های عاطفی به دنبال خود بیماری‌های روانی و روحی فرزند را خواهد داشت فرزندان پرورش یافته در فضای با خلأ عاطفی برای جامعه بسیار زیان‌بار هستند و علاوه بر ایجاد دردها و تنش‌های اجتماعی باعث صرف هزینه‌های زیاد برای دولت خواهد شد.

چراکه این فرزندان عموماً باری بر دوش جامعه خواهند بود و درمان و جلوگیری از بزه و تربیت صحیح آنها که در فضای امن خانواده زندگی نمی‌کنند نیازمند صرف وقت و هزینه است

طلاق پیامدهای عمیق اجتماعی، روانی، قانونی ، اقتصادی و والدینی دارد (رابرت ویس، ۱۹۷۵). نخستین پی آمد اجتماعی که زن یا مرد پس از جدایی تجربه می‌کند، از دست دادن پایه‌هایی است که هویت اجتماعی وی بر آن ها بنا شده است. علائم روانی \_ عاطفی طلاق ، مانند ناکامی، ماتم زدگی ، نگرانی ، وحشت، اضطراب، ترس ، خشم و... طرفین را در وضعیت آسیب پذیری قرار می دهد. شدت و میزان تنش های جدایی، بستگی به فاعل یا مفعول بودن در فرایند طلاق دارد .

مشکلات افت تحصیلی، رفتاری ، عاطفی، عزت نفس پایین و روابط بین فردی ، صرفنظر از عامل جنس و سن در بین بچه های طلاق بیشتر از بچه های غیر طلاق گزارش شده است. ( اماتو، ۲۰۰۱). عوامل تنش زا و بحرانی که والدین به هنگام طلاق و پس از آن تجربه می‌کنند بر کیفیت نقش والدینی شان تاثیر می‌گذارد. هر چه به آن ها کمک شود تا تنش کمتری داشته باشند، کیفیت والدینی شان افزوده می‌شود ( یون و همکاران، ۲۰۰۰)

جدول شماره (۱): آثار طلاق بر روی کودکان

پیامدها	نتایج
---------	-------

<p>ترس و اضطراب به خصوص دامن گیر بچه‌هایی می‌شود که مدارس ابتدایی را می‌گذرانند. طلاق با خود حس عدم امنیت را در کودکان می‌پروراند. پس از طلاق برخی از بچه‌ها از حس عمیق ناتوانی رنج می‌برند. بچه‌های کوچک‌تر گاه فکر می‌کنند که والدین در فکر ترک آنها هستند و این حس ناامنی آنها را تشدید می‌کند. درگیری والدین نیز استرس و اضطراب بچه‌ها را شدت می‌بخشد. امکان دارد که عوارض فیزیکی از جمله سردرد، درد معده و غیره در کودکان نمایان شود. واکنش بچه‌های بزرگ‌تر عموماً انزوا و خلوت‌گزینی است که خود گواه دیگری بر ترس و نگرانی آنهاست.</p>	<p>ترس و اضطراب</p>
<p>خشم نیز یکی دیگر از مظاهر رفتاری است که کودکان به خصوص در مدارس ابتدایی از خود نشان می‌دهند. گاه بچه‌ها از والدین خشمگین هستند و آنها را سرزنش می‌کنند. بچه‌های بزرگ‌تر گاه آشکارا والدینشان را شمت‌ت می‌کنند. خشم بچه‌ها گاه با زیر سؤال بردن قوانین خانه و یا وظایفشان جلوه‌گر می‌شود. گاه نیز به شکل فعال فرزندان طلاق با بچه‌های دیگر به زدوخورد می‌پردازند.</p>	<p>خشم واز کوره در رفتگی</p>
<p>(وسواس تکرار بدون اراده و افراطی اعمال و کارهای روزمره است)</p>	<p>ایجاد زمینه های وسواس در دختران و پسران</p>
<p>در این نوع بیماری اجتماعی، فرد فاقد احساس لذت یا درک کمتری از زندگی روزمره است، بی اشتیایی بر او چیره شده و خستگی به طور مداوم در ارگانسیم بدن وی مشاهده می‌شود.</p>	<p>بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان</p>
<p>در نوجوانان حالتی شبیه به احساس ترس، نگرانی و تشویش به وجود می‌آید. در این بیماری علائم بیم از آینده در رفتار نوجوانان مشهود است. نوجوان با توجه به سستی مبانی خانواده از تفکر در مورد برنامه ریزی مدون برای حرکت های دسته جمعی و گروهی وحشت دارد.</p>	<p>به وجود آوردن زمینه های اضطراب</p>
<p>نتیجه محرومیت های مداوم از مهر و محبت پدری است. در این نوع بیماری چون نوجوان امکان مذاکره حضوری و مستقیم و متقابل با پدر و مادر خود را نمی‌یابد و از طرفی سؤال های خود را بی جواب می‌بیند، روحیه عصبان و پرخاشگری در او به وجود می‌آید. رفتارهای پرخاشگرانه در اعمال و گفتار نوجوانانی که خانواده های آنان از همدیگر جدا شده اند کاملاً مشهود است.</p>	<p>ایجاد روحیه پرخاشگری و عصبان در نوجوانان</p>
<p>این بیماری با شدت و ضعف در نوجوانان خانواده هایی که شاهد جدایی پدر و مادر خود بوده اند مشاهده می‌شود. حالتی که فرد در مقابل هرگونه عاملی تحریک پذیر است یعنی حتی در مقابل محرک های ضعیف عکس العمل شدید نشان می‌دهد.</p>	<p>بی قراری</p>
<p>در نوجوانان خانواده هایی که والدین آنها از هم جدا شده اند این حساسیت ها دیده شده است. این گروه از نوجوانان در مقابل همراهان و همسالان خود حساسیت بیشتر و زیاده از حد نشان می‌دهند.</p>	<p>حسادت سوءظن و سماجت</p>
<p>کودکان اولین قربانی طلاقند، قربانی روحی، عاطفی و حتی گاهی جسمی. کودک پس از طلاق در خانواده گیج و حسرت‌زده است و کمتر می‌تواند تعادل خود را حفظ کند، بویژه کودکی که با پدر و مادر بسیار مانوس است و دائماً آنان و نازپرورده‌شان بوده است.</p>	<p>قربانی روحی و عاطفی</p>
<p>کودکی که والدینش از هم جدا شده‌اند، خانه را محل وحشت می‌داند و بیشتر در جستجوی پناهگاهی دیگر است؛ پناهگاهی که برای او تسلی‌بخش و محل امن و راحتی باشد. بسیاری از بی‌اعتنایی‌های کودک به دنیا و دیگران هنگام جدایی والدین پیش می‌آید و این از آن جهت است که روح محدود و کوچک طفل، نمی‌تواند آن را تحمل کند.</p>	<p>وحشت از زندگی</p>
<p>کودکان پس از طلاق و جدایی والدین، حقیقتاً یتیم می‌شوند. مخصوصاً اگر خردسال باشند دردشان عظیم‌تر است؛ چون طفل در هر سطحی از آسایش و امکانات باشد، باز نیاز به مادر دارد. این درد برای کودکان سنگین است که نمی‌توانند خود را به مادر یا پدر برسانند و برای دیدار آنان باید منتظر اوقات رسمی باشند. گاهی طفل نیمه‌شب برمی‌خیزد و مادر را طلب می‌کند. پیداست در آن صورت چه حالی به او دست خواهد داد. این که در اثر اختلاف پدر و مادر، مادرش در خانه نیست و مثلاً فردا باید او را ببیند دردی عمیق است.</p>	<p>یتیمی کودکان</p>
<p>حاصل طلاق، دربه‌در کردن و نابسامانی فرزندان و به خود وا گذاشتن آنان یا سپردن فرزندان به دست نامادری یا ناپدری است که ممکن است آنها را زجر بدهند. پس از طلاق، کودک مجسمه‌ای متحرک و عروسکی است که گاهی نزد مادر، زمانی پیش پدر، هنگامی نزد عمه، خاله، دایی و گاهی هم در پرورشگاه است و پیداست این دست به دست شدن‌ها، عادت یافتن لحظه‌ای به خوی‌ها و تربیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت چه تاثیری نامطلوب در روان کودک و در فرم تربیتی او می‌گذارد.</p>	<p>در به دری ونابسامانی</p>
<p>گاهی کودک در جدایی والدین احساس گناه می‌کند. گمان دارد چون شیطان بوده و پدر و مادر را اذیت کرده، والدین آنان جدا شده‌اند. این مساله بیشتر از زبان معصومانه آنان شنیده می‌شود که: «مامان! بیا دیگه تو را اذیت نمی‌کنم». یا می‌گویند: «بابا! بیا قول می‌دهم دیگر شیطنت نکنم» اینان خود را مسوول احساس می‌کنند و گمان دارند اشتباهی را مرتکب شده‌اند.</p>	<p>احساس گناه</p>



پس از طلاق، کودک مات و مبهوت می شود و حتی انگیزه تحصیل را از دست می دهد و با افت تحصیلی مواجه می شود. گاهی بیمار می شوند و در جستجوی پناهی برای مهرورزی، دلجویی و نوازش هستند، اینان به حقیقت بیمار نیستند، بلکه نقطه اتکای خود را از دست داده اند، بدینسان با دارو نمی توان درمانشان کرد، بلکه با نوازش می توان درد آنان را علاج کرد.	گیجی و بهت زدگی
بررسی ها نشان داده اند کودکانی که از مادر جدا شده اند، رشدشان کمتر از آنانی است که از مادر خود جدا نیستند؛ اگرچه مادر یک مربی پرورش یافته نباشد و در شرایط بهداشتی روانی مناسب تربیت نیافته باشند، فقدان مادر جلوی شکوفا شدن کودک را در تمام زمینه ها می گیرد و در شخصیت عاطفی او اثر منفی می گذارد.	تأثیر منفی در رشد
کودکان پس از جدایی والدین، معمولاً به یکی از والدین، پدر یا مادر بدبین می شوند و به او با نظر کراهت می نگرند. معمولاً یا طرفدار پدر می شوند یا طرفدار مادر که در هر دو صورت برای فرزند و حتی والدین نامطلوب است. ضروری است والدین لاقدر در برابر کودک، عکس العمل مناسب داشته باشند و در حضور آنان از هم بدگویی یا شکوه نکنند.	بدبینی به پدر و مادر
کودکی که از پدر یا مادر جدا شده، از مهر و نوازش دو طرف سیراب نیست و اغلب با تشنگی عاطفی مواجه است و بعید نیست در جستجوی محبت، به دام افراد شیادی بیفتد و عفت و پاکدامنی خود را از دست بدهد، امری که در جوامع مختلف به نمونه های بسیاری از آن برخورد می کنیم.	کمیوهای عاطفی
بالاخره کودکانی که والدین آنان از هم جدا شده اند، کودکانی عادی و بهنجار نیستند. بررسی های روان شناسان آلمان نشان داده است اینان اغلب محروم از عاطفه و در بزرگسالی افرادی برای شرارت و جنایت خواهند بود.	نابهنجاری کودکان

ماخذ: kayhannews.ir

### نتیجه گیری:

بین طلاق والدین و آسیب های روانی کودکان رابطه مستقیمی برقرار است. هر جایی که آسیب اجتماعی است، ردپایی از طلاق والدین مشاهده می شود. با طلاق والدین، کودک حمایت و چتر امنیتی خود را از دست می دهد و در شرایط آسیب پذیری قرار می گیرد. اثرات طلاق بستگی بستگی به سن کودک هنگام طلاق دارد. همچنین اثر طلاق بر کودک به جنسیت، شخصیت، میزان ناسازگاری و درگیری والدین و حکایت خانواده و دوستان کودک بستگی دارد. پراکنده شدن اعضای خانواده و محرومیت فرزندان از سزپرستی مشترک والدین، پس از فروپاشی و از هم گسیختگی خانواده آنان را از داشتن مواهب و مزیای زندگی خانوادگی محروم می کند و هویت فردی و خانوادگی فرزندان طلاق را مختل می کند. بیشترین اثرات و پیامدهای طلاق متوجه کودکان این خانواده ها می باشد از میان عوارض موثر بر کودکان می توان از عوارض عاطفی - اجتماعی سخن به میان آورد که دامنه این عوارض بسیار شدید است و این آسیب ها عوارض به صورت ترس، اضطراب، انتقام جویی، افسردگی، انزوا و نیاز افراطی به محبت؛ اختلال در رفتار، آمادگی برای جرم و بزهکاری و تن دادن به جرم و ارتکاب آن اختلال در امر تحصیل در رابطه معاشرتی و رفتارهای ضد اجتماعی است. تقویت نهادهای حمایتی و خدمات مشاوره و مددکاری برای خانواده های تک والد، علاوه بر کمک به حل مسائل آنها در پیشگیری از مشکلات ناشی از احساسات منفی برای فرزندان در این خانواده ها موثر خواهد بود. چنین برنامه هایی می تواند توسط مشاوران مدرسه در دوره های آموزش خانواده طراحی و اجرا شده و آموزش و پرورش را در فراتر از نقش آموزشی برای فرزندان به نهاد آموزشی برای خانواده ها نیز ارتقاء دهد.

## منابع

- اسلامی، مریم، حاج حسینی، منصوره، اژه ای، جواد(۱۳۹۶)، امید و نگرش دانش آموزان تک والد: فرزندان طلاق، اندیشه های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهراء س دوره ۱۳ شماره ۲ صص ۲۶- ۵۱
- امانی، زکیه، کیامنش، علیرضا، زهرا کار کیانوش(۱۳۹۸)، شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان؛ مطالعه کیفی، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده سال چهاردهم، شماره ۴۷، صص ۸۱-۵۹
- ساروخانی، باقر(۱۳۷۶) **طلاق (پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن)**، دانشگاه تهران، چاپ دوم
- ساروخانی، باقر(۱۳۷۶)، **جامعه شناسی ارتباطات**، انتشارات اطلاعات
- ستوده، هدایت الله(۱۳۸۱)، **آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انحرافات**، چاپ اول، تهران، انتشارات آوای نی
- سیف زاده، علی وقتبری برزبان، علی(۱۳۹۲)، **بررسی خشونت بر میزان طلاق در میان زنان**، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم شماره سه
- جلیلیان(۱۳۷۴)، **عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق در قم**، دانشگاه تهران
- رحیمی(۱۳۷۹)، **بررسی طلاق در شهرستانهای گناباد**، پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه فردوسی مشهد
- رحمان پناه(۱۳۷۴)، **تاریخچه طلاق در ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد در زمینه علوم سیاسی
- فتحی، کبری(۱۴۰۰)، **تاثیرات منفی طلاق و فروپاشی خانواده بر افت تحصیلی فرزندان در مقطع ابتدایی**، فصلنامه علمی رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی، صص ۳۰۹-۳۲۴
- کاملی، محمد جواد(۱۳۸۴)، **بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود**، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم، صص ۱۸۰-۱۹۸
- ژان ژاک روسو(۱۷۶۲)، **قرارداد اجتماعی**، ترجمه منوچهر کیا، انتشارات گنجینه
- یونسی رباطی، زینب، علاء الدین، طلیعه، بابائی، مهناز(۱۳۹۴)، **تاب آوری و پرخاشگری در فرزندان طلاق، روانشناسی معاصر، ویژه نامه**
- Clark -Stewart,A& Brentan,C.(۲۰۰۶).Divorse:Case and consequences.Yale: yale university press.*
- Pothen, Sosamma (۱۹۸۷). Divorce, Its Causes and Consequences in Hindu Society. Vikas Publishing House, New Delhi.*
- Weiss, Robert S. Marital Separation. Basic Books Inc., New York*
- Yun, J.; Irwin. T.; Sandler, N.; Zandra, A. (۲۰۰۰). "Stressful Events, Psychological Distress, Coping and Parenting". Journal of Family Psychology. Vol. ۱۴, No. .۱*
- Amato, Paul R. (۲۰۰۱). "Children of Divorce in the ۱۹۹۰s". Journal of Family Psychology. Vol. ۱۵, No. .۳*
- Weitof,G.R,Hjren,A.,Hanglund,B.&Rosen(۲۰۰۳).Mortality, seven morbidity, and injury in childrenliving with single parents in sweden a population- based study. The Lancet, ۳۶۱(۹۳۵۴): .۲۹۵-۲۸۹*